

ضرورت تقلیل خسارت و مبانی تکلیف زیان دیده به انجام آن؛ تأملی بر رویکرد حقوق ایران و امکان سنجی اعمال آن در مسئولیت مدنی دولت

مژده جام سحر^۱، ابراهیم دلشاد معارف^۲، مهدی میرداداشی کاری^۳

چکیده

تقلیل خسارت، یکی از قواعد بااهمیت در جبران خسارت است که بنا بر آن، زیان دیده وظیفه دارد هنگام ورود ضرر، هر نوع اقدام متعارفی را که برای کاهش خسارت لازم است، انجام دهد و از توسعه ضرر جلوگیری کند. در غیر این صورت، استحقاق مطالبه تمامی خسارات را نخواهد داشت. این قاعده در نظام رومی-ژرمنی که ایران در زمره آن است، بحث و بررسی نشده، اما آثار و نتایج آن در حقوق این کشورها قابل اعمال و اجراست.

رویکرد مورد نظر در مباحث حقوق خصوصی قابل اعمال است، اما پرسش این است که آیا در قواعد مربوط به مسئولیت مدنی دولت نیز می‌توان قاعده تقلیل خسارت را برای خواهان در نظر گرفت که در این فرض، اشخاص حقیقی و حقوقی حقوق خصوصی در برابر دولت و اشخاص حقوقی حقوق عمومی هستند؟ در همین راستا، این مقاله با عنوان ضرورت تقلیل خسارت و مبانی تکلیف زیان دیده به انجام آن در حقوق ایران با روش توصیفی و تحلیلی و منابع کتاب‌خانه‌ای نگاشته شده است. یافته‌های این نوشتار نشان می‌دهد فارغ از بحث نتیجه اقدامات زیان دیده در راستای تقلیل خسارت، زیان دیده باید به صورت متعارف عمل کند و حتی اگر اقدام وی موجب افزایش ضرر گردد، بر میزان غرامتی که استحقاق مطالبه آن را دارد، اثر ندارد.

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی قم، ایران. Jamsahar. advocate@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی قم، ایران، (نویسنده مسئول)، Edelshad1972@gmail.com

۳. دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی قم، ایران. SM.Mirdadashi1351@iau.ac.ir

بر اساس مبانی فقهی همانند قاعده تحذیر، لاضرر، اقدام و هم‌چنین احراز رابطه سببیت و قابل پیش‌بینی بودن ضرر و در صورت وجود شرایط اعمال قاعده تکلیف خسارت از جمله نقض تعهد قراردادی، امکان‌پذیر بودن تقلیل خسارت، اطلاع زیان‌دیده از نقض تعهد، زیان‌دیده، مکلف به تقلیل خسارت بر اساس حقوق ایران است.

واژگان کلیدی: زیان‌دیده، ضرر، تقلیل خسارت، مسئولیت مدنی، دولت، قرارداد اداری.

مقدمه

هنگامی که انسان در معرض خسارت (مالی، جسمانی یا معنوی) قرار می‌گیرد، اعم از این‌که حادثه گویای زیان ناشی از قوه قهریه یا فعل شخص باشد، مکلف است اقدامی معقول و متعارف از خود نشان دهد و تا حد امکان از توسعه و گسترش زیان جلوگیری کند. در واقع، اگر شخصی، خانه فرد دیگری را آتش بزند، مالک وظیفه دارد به طور متعارف برای ممانعت از تحقق خسارت بیش‌تر تلاش کند که این موضوع در حال حاضر، «قاعده تقلیل خسارت» نام گرفته است.

منظور از قاعده تقلیل خسارت این است که متضرر از نقض قرارداد وظیفه دارد اقدامات لازم را برای تقلیل یا جلوگیری از گسترش خساراتی انجام دهد که از نقض قرارداد برای وی حادث شده است.^۱ هنگامی که انسان در معرض خسارت قرار می‌گیرد، اعم از این‌که حادثه، موجب زیان ناشی از قوه قاهره یا فعل شخص باشد، مکلف است اقدامی معقول و متعارف از خود نشان دهد و تا حد امکان از توسعه و گسترش زیان جلوگیری کند. این وظیفه امروزه با عنوان قاعده «تقلیل خسارت» شهرت یافته است. در قانون مدنی ایران، قاعده‌ای عمومی در این باره پیش‌بینی نشده است، اما آثاری از آن را در مقررات مختلف می‌توان مشاهده کرد. ماده ۱۵ قانون بیمه، مصوب ۱۳۱۶ در این زمینه مقرر می‌دارد: «بیمه‌گذار باید برای جلوگیری از خسارت، مراقبتی را که عادتاً هر کس از مال خود می‌نماید، نسبت به موضوع بیمه نماید و در صورت نزدیک شدن حادثه یا وقوع آن، اقداماتی را که برای جلوگیری از سرایت و توسعه خسارت لازم است، به عمل آورد و الاً بیمه‌گر، مسئول نخواهد بود.» بر اساس بند سوم ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی، وقتی زیان دیده به نحوی از انحاء موجبات تسهیل ایجاد زیان را فراهم کرده یا به اضافه شدن آن کمک یا وضعیت واردکننده زیان را تشدید کرده باشد، دادگاه میزان خسارت قابل مطالبه را تخفیف خواهد داد.^۲

بنابراین، خواهان نباید تنها نظاره‌گر توسعه ضرر باشد، بلکه باید تمامی اقدامات منطقی و متعارفی را که برای تقلیل ضرر لازم و ضروری است، انجام دهد. در غیر این صورت، استحقاق مطالبه تمامی

۱. میرنقی‌زاده، میرحیدر و علی چراغی، «بررسی مبانی و مستندات فقهی و حقوقی قاعده تقلیل خسارت»، مجله قانون‌یار، دوره دوم، شماره ۶، ۱۳۹۷، ص ۸۰.

۲. شعاریان، ابراهیم و یوسف مولایی، «شرایط و موانع اعمال قاعده تقلیل خسارت»، پژوهش حقوق خصوصی، سال دوم، شماره ۳، ۱۳۹۲، ص ۴۱.

خسارت را نخواهد داشت. این موضوعات در نظام حقوقی کامن لا بررسی و پذیرفته شده است، اما دیگر نظام های حقوقی با توجه به اصول کلی حقوق، این قاعده را به طور ضمنی پذیرفته اند. به عبارت دیگر، کشورهای دارای حقوق رومی-ژرمنی همانند ایران نیز بر اساس مبانی و اصول کلی حقوقی خود به نتایجی دست یافته و آن را توجیه کرده اند. زیان دیده در راستای انجام این تکلیف و مبانی که گویای ضرورت این مسئله است، اقداماتی را انجام می دهد که این اقدامات در کاهش خسارت به دو شکل فعل مثبت و منفی امکان پذیر است. البته باید توجه داشت که تکلیف زیان دیده از مصادیق تعهد به وسیله است و امکان دارد با وجود جمع بودن شرایط، موانعی از اعمال قاعده تقلیل خسارت جلوگیری کنند.

نباید در میزان و تکلیف زیان دیده افراط کرد و بهتر است تکلیف وی را در مقابله با خسارات به زیان های مستقیم و بالفعل معطوف کنیم. در این باره، ماده ۱۵ قانون بیمه ایران مصوب ۱۳۱۵، وقوع حادثه یا نزدیک شدن حادثه را شرط تحقق وظیفه بیمه گذار در مقابله با خسارت می داند. بیمه گذار باید برای جلوگیری از خسارت، مراقبتی را که بنا بر عادت، هر کس از مال خود می کند، نسبت به موضوع بیمه نیز بکند و در صورت نزدیک شدن حادثه یا وقوع آن، اقداماتی را که برای جلوگیری از سرایت و توسعه خسارت لازم است، به عمل آورد.^۱

در نظام های حقوقی مانند ایران که اجرای عین تعهد، ضمانت اجرای اصلی نقض قرارداد تلقی می شود، قاعده مورد بحث (مثلاً تقویت منافع یا اتلاف) دامنه محدودتری دارد. این در حالی است که در نظام کامن لا، پرداخت خسارت اصل است و اجرای عین تعهد، استثنا تلقی می شود. بنابراین، قلمرو اجرای این قاعده در کامن لا گسترده تر است.

درباره ادبیات پژوهش می توان به این موردها اشاره کرد:

۱. فرخ دوست (۱۴۰۲) در مقاله «گذری بر قاعده تقلیل خسارت در مسئولیت مدنی» نوشته است که اقتضای اصل جبران کامل خسارت این است که هیچ خسارتی بدون جبران باقی نماند، اما گاهی این زیان دیده است که با رفتار خود اعم از فعل یا ترک فعل موجبات ورود خسارت به خویش را

۱. سلمان زاده، جعفر و حمید مسجدسرایبی، «بررسی تطبیقی شرایط اعمال و اجرای قاعده مقابله با خسارت در نظام حقوقی ایران و آمریکا»، پژوهش حقوق تطبیقی اسلام و غرب، سال هشتم، شماره ۳، ۱۴۰۰، ص ۱۴۳.

فراهم می‌کند. باید پذیرفت که در چنین مواردی، خسارت تخفیف داده نمی‌شود، بلکه زیان دیده استحقاق گرفتن تمام خسارت را ندارد. این وضعیت به عنوان قاعده تقلیل خسارت یا مقابله با خسارت شناخته می‌شود که بیش تر نظام‌های حقوقی دنیا آن را پذیرفته‌اند. بسیاری از حقوق دانان و فقیهان، مبنای تقلیل خسارت در حقوق اسلامی را قاعده اقدام و لاضرر می‌دانند. این نهاد صرفاً مختص مسئولیت قراردادی نیست و مسئولیت غیر قراردادی را نیز شامل می‌شود. هدف از این پژوهش، بررسی مبانی این قاعده و شرایط اعمال آن است که به طور ضمنی در قوانین موضوعه ما پذیرفته شده است.

۲. زمانی و بذار (۱۳۹۷) در مقاله «تعهد زیان دیده به کاهش خسارت در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا» به ضرورت تلاش مقتضی زیان دیده اشاره داشته‌اند. این مقاله، نزدیکی محدودی به موضوع مقاله حاضر دارد.

۳. شاهنوش فروشانی (۱۳۹۵) در مقاله «تکلیف زیان دیده به کاهش خسارت ناشی از نقض قرارداد و تأثیر آن در میزان مسئولیت ناقض قرارداد» به حقوق کامن لا توجه کرده است. وی پس از توضیح معنا و مبانی این قاعده و شرایط اجرای آن در نظام کامن لا، بر اساس استقرار برخی موارد و با استفاده از قواعد فقهی یا نظریه‌های عمومی در فقه امامیه، نقش زیان دیده از نقض قرارداد را در محاسبه میزان خسارات بررسی کرده است.

۴. اصغری آق‌مشهدی و قنبری (۱۳۹۴) در مقاله «الزام زیان دیده به تقلیل خسارت در حقوق انگلیس و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا وین ۱۹۸۰» به این نتیجه رسیده‌اند که قاعده الزام به تقلیل خسارت به وجود شرایطی مانند وقوع فعل ضرری یا نقض تعهد قراردادی و قابل اجتناب بودن ضرر وارد شده وابسته است.

۵. شعاریان و مولایی (۱۳۹۱) در پژوهش «شرایط و موانع اعمال قاعده تقلیل خسارت» به این نتیجه رسیده‌اند که مطابق قاعده تقلیل خسارت، زیان دیده متعهد است تمام اقدام‌های متعارف و معقولی را انجام دهد که برای کاستن از خسارت لازم و ضروری باشد. تعهد به کاستن از خسارت همانند هر تعهد دیگری تحت شرایط خاصی ایجاد می‌شود. نقض تعهد، آگاهی زیان دیده و امکان تقلیل خسارت، شرایط لازم برای اعمال قاعده تقلیل خسارت هستند. البته در نظام‌های حقوقی

که نظریه نقض قابل پیش بینی را پذیرفته اند، زیان دیده متعهد است به محض پیش بینی نقض قرارداد، اقدام های لازم را برای کاستن خسارت انجام دهد. این مقاله، بحث قاعده را به صورت کلی بررسی کرده است.

اعمال قاعده تقلیل خسارت در حقوق اداری و مسئولیت قراردادی و غیر قراردادی دولت تاکنون بررسی نشده است. هدف از قاعده تقلیل خسارت، کاستن از میزان ضرر و زیان وارد شده و کاهش خسارت است و آن را در مسئولیت قراردادی و غیر قراردادی دولت نیز می توان مفروض دانست. با مطالعه نظام حقوقی ایران، مواردی از اعمال این قاعده در مباحث حقوق اداری قابل ملاحظه است. مسئله اصلی این تحقیق، بررسی اعمال قاعده تقلیل خسارت در حقوق اداری و مسئولیت مدنی دولت است. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی و تحلیلی است و در گردآوری منابع از روش کتابخانه ای استفاده شده است.

گفتار اول. مفاهیم و مبانی نظری

بند اول. مفهوم قاعده تقلیل خسارت

قاعده تقلیل خسارات عبارت از این است که متضرر از نقض قرارداد متعهد له وظیفه دارد برای کاهش یا جلوگیری از گسترش خساراتی که از نقض قرارداد برای وی حادث شده است، اقدامات لازم را انجام دهد. به نظر می رسد که این تعریف جامع نیست؛ چون بیان شده است وظیفه دارد با خسارات مقابله کند، اما ممکن است هنوز از نقض قرارداد، ضرری به کسی وارد نشده باشد و متعهد له قرارداد پس از نقض قرارداد وظیفه دارد ضرر را تقلیل دهد و به این شکل، ضرر کمتری ببیند. در این صورت، اطلاق متضرر به این شخص بی معناست، مانند این که شخصی با صاحب رستورانی قرارداد منعقد کند که برای مراسم جشن تولد او شام تهیه کند، اما در شب مراسم، متعهد له پس از این که به رستوران مراجعه می کند، می بیند صاحب رستوران، غذا و شام مراسم را تهیه نکرده است. پس او به رستوران دیگری مراجعه می کند و با همان قیمت قبل، شام مراسم را تهیه می کند و هیچ گونه خسارت مادی و معنوی به او نمی رسد. بنابراین، در تعریف قاعده نمی توان از لفظ «متضرر» استفاده کرد. ممکن است گفته شود در مواردی که قراردادی در بین نیست، تا ضرری به دیگری وارد

نشده باشد، بحث خسارات و جلوگیری آن مطرح نمی‌شود و تقلیل خسارات پس از وقوع آن مطرح است. به نظر می‌رسد حتی در این موارد هم اگر زمینه خسارت فراهم آمده و فرد در معرض ضرر قرار گرفته باشد و بتواند آن را تقلیل دهد، ولی چنین نکند، کسی، مسئول خسارت وارد شده به او نیست که در تبصره ماده ۳۵۵ قانون مجازات اسلامی سابق آمده بود. دومین ایرادی که می‌توان به این تعریف گرفت، این است که قاعده را فقط در تعهد قراردادی و مسئولیت قراردادی دانسته است و شامل خسارات غیر قراردادی نمی‌شود، اما به نظر می‌رسد قاعده تقلیل خسارات در هر دو زمینه وجود دارد و مخصوص خسارات قراردادی نیست.^۱

فقهها و حقوق دانان برای اثبات اصل قابلیت جبران همه خسارات به دلایل متعددی استناد می‌کنند که در مقام مهم‌ترین منابع و مبانی فقهی اصل قابلیت جبران همه خسارات می‌توان به مواردی اشاره کرد. حقوق دانان نیز در اشاره به مبانی و منابع قانونی اصل قابلیت جبران همه خسارات از اصل ۸۳ قانون اساسی، ماده ۲۲۹ قانون مدنی و ماده ۹ قانون مسئولیت مدنی یاد کرده‌اند.

بند دوم. مبانی قاعده تقلیل خسارت

الف. قاعده تقلیل خسارت به عنوان یک اصل حقوقی

منظور از اصل حقوقی، اصلی است که به موارد نامعین از اعمال یا وقایع حقوقی متعدد ناظر است، مثل اصل جبران خسارت که شامل تمام مواردی می‌شود که از یک عمل به دیگری زیان وارد می‌گردد. نظریه‌ها، تکنیک‌ها و مفاهیم مختلف حقوقی، اصول مشابهی را به بار می‌آورند که به آن‌ها اصول حقوقی می‌گویند. برخی اصول کلی از حقوق داخلی کشورها الهام گرفته شده است و تمام ملل جهان آن را قبول دارند. این دسته از هنجارهای حقوقی هم با نظم داخلی کشورها و هم با نظم بین‌المللی هماهنگند و برخی از آن‌ها در روابط میان دولت‌ها مورد احترامند، مثل اصل استقلال و حاکمیت کشورها. در مقابل، بسیاری از اصول، خاص یک نظام حقوقی و گاه ویژه یک کشورند.^۲ در مورد جایگاه اصول حقوقی در حقوق موضوعه باید گفت که در نظام‌های حقوقی مختلف،

۱. یزدانیان، علی‌رضا، حقوق مدنی، قواعد عمومی مسئولیت مدنی، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۱۷۶.

۲. محمودی کردی، زهرا، «ماهیت اصول کلی حقوقی و کارکردهای آن در حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۸، ۱۳۹۷، ص ۳۴۰.

اصول حقوقی، یک منبع حقوق به شمار می‌رود. با توجه به ماده ۳ ق.آ.د.م، قضات می‌توانند بر اساس اصول حقوقی رأی صادر کنند. با عنایت به قرینه موجود در ماده که رجوع به اصول را در موارد سکوت تجویز کرده است و با توجه به اطلاق واژه «اصول حقوقی» می‌توان گفت قانون‌گذار، مجوز توسل به اصول فراقانونی را در اختیار دادرس گذاشته است. در حقوق آلمان، اصول حقوقی مورد توجه دادگاه‌هاست و قانون تنها بر اساس این اصول شکل می‌گیرد. پس می‌توان گفت اصول حقوقی، منبع دوم این خانواده حقوقی است. در مورد اصول حقوقی، بحث فراوان است، ولی قاعده تقلیل خسارت به عنوان یک اصل حقوقی پذیرفته شده است. نظام‌های مختلف حقوقی، قاعده تقلیل خسارت را بدیهی و معقول دانسته‌اند و عرف تجارت در سراسر جهان به آن صحه می‌گذارد و در آرای داوری بین‌المللی نیز به فراوانی به آن استناد می‌شود. پس بدون تردید، تقلیل خسارت از اصول کلی مشترک بین ملل متمدن و از قواعد بازرگانی فراملی به شمار می‌رود.

ب. مستندات فقهی قاعده تقلیل خسارت

قواعد ضمان در فقه به صورت عام مطرح شده و بین مسئولیت قهری و قراردادی، تفکیک رایج در حقوق مطرح نشده است. پس مبانی مطالبه خسارت ناشی از تقویت منافع ناشی از نقض قرارداد را باید در قواعدی هم‌چون اتلاف و تسبیب و نیز لاضرر به عنوان قواعدی عام جست. اگر کسی، مال دیگری را مستقیم و به مباشرت تلف کند، اتلاف و در صورتی که غیر مستقیم و سبب و زمینه تلف را فراهم کند، اتلاف به تسبیب نامیده می‌شود. در هر دو صورت، عامل زیان، ضامن خسارتی است که زده است.^۱ برخی صاحب‌نظران در مورد شمول قاعده اتلاف و تسبیب نسبت به تقویت منافع مسلم در اثر نقض تعهد معتقدند این دو قاعده، ناظر به تلف عین اموال موجود و مسئولیت قهری است و به مسئولیت قراردادی ارتباطی ندارد؛ چون در مسئولیت قراردادی، مسئله تقویت منافع مطرح بیش‌تر است و تقویت منافع مورد انتظار از قرارداد، تقویت عین مال موجود محسوب نمی‌شود. در این زمینه، از نظریه‌های مشهور در باب غصب نیز استفاده می‌شود که در جایی که مال موجودی تلف نشده باشد، ضمانی هم در میان نیست.^۲

۱. محقق حلی، قواعد الاحکام، تهران: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۳، ص ۱۲۵.

۲. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، تهران: اسلامیه، ۱۴۱۴، ص ۱۷۱.

بند سوم. مبانی حقوقی قاعده تقلیل خسارت

الف. رابطه سببیت

یکی از شرایط لازم برای مطالبه خسارت، وجود رابطه سببیت بین نقض تعهد و ورود خسارت است. مفهوم سببیت نقض تعهد نسبت به خسارت وارد شده در صورتی محقق می‌شود که معلوم باشد اگر تعهد اجرا می‌شد یا عمل زیان بار انجام نمی‌یافت، خسارت وارد نمی‌گردید. بدین ترتیب، اگر معلوم گردد حتی با وجود نقض نشدن تعهد، خسارت وارد می‌گشت، نقض‌کننده تعهد را نمی‌توان مسئول دانست و جبران خسارت وارد شده را از او طلب کرد.^۱

رابطه سببیت از مهم‌ترین مبانی قاعده تقلیل خسارت تلقی می‌شود. در حقیقت، اگر متعهد له با زیان دیده، اقدامات متعارف و معقول را برای جلوگیری از ورود خسارت یا توسعه آن را انجام ندهد، خود او سبب خسارت وارد شده است و حق مطالبه خسارت نخواهد داشت. حتی به عقیده برخی حقوق دانان، قاعده مورد بحث، یک قاعده مستقل نیست، بلکه یکی از مصادیق قاعده وسیع رابطه سببیت است. برای مثال، در مسئولیت قراردادی و قهری، خواهان تنها برای ضرر و زیان وارد شده به سبب تخلف خوانده می‌تواند اقامه دعوا کند و هر زیانی را که به وسیله رفتار نامتعارف خودش وارد شده است، باید تحمل کند. در مقابل، برخی دیگر ضمن رد این نظر معتقدند مبنای اصلی قاعده تقلیل خسارت نمی‌تواند رابطه سببیت باشد؛ زیرا با آن ناسازگاری ندارد.

رابطه سببیت، مبنای اصلی قاعده تقصیر مشترک است و مفهوم قاعده تقلیل خسارت با نظریه تقصیر مشترک تفاوت دارد، اگرچه ویژگی‌های مشترکی دارند. به عبارتی، اگر مبنای قاعده یاد شده، رابطه سببیت تلقی شود، بین این قاعده و نظریه تقصیر مشترک نمی‌توان تمایزی قائل شد؛ چون مبنای هر دو قاعده یکسان خواهد بود. این نظر قابل توجیه نیست؛ زیرا مفاهیم مختلف حقوقی ممکن است در برخی از مبانی مشترک باشد، مانند قاعده لاضرر که مبنای اختیارات مختلف مانند خیار غبن و عیب قلمداد شده است. هم‌چنین عنوان شده است که به موجب قاعده تقلیل خسارت، زیان دیده یا خواهان مکلف است از توسعه خسارت جلوگیری کند، در حالی که در رابطه سببیت، چنین تکلیفی بر عهده زیان دیده قرار نمی‌گیرد. حتی در اصل، شخص متخلف، مسئول

۱. شهیدی، سید مهدی، آثار قراردادهای و تعهدات، تهران: مجد، چاپ شصت و یکم، ۱۴۰۱، ص ۱۷۰.

جبران خسارات اضافی یعنی خساراتی هست که با انجام اقدامات متعارف قابل پیش‌گیری بوده است. این خسارات اضافی در مقابل خساراتی که در اثر نقض وظیفه تقلیل خسارت توسط خواهان به خواننده وارد شده است، تهاتر می‌شود. در حقوق ایران، برخی حقوق دانان، مبنای قاعده تقلیل خسارت را رابطه سببیت دانسته و اعلام کرده‌اند که هرگاه زیان دیده با وجود امکان پیش‌گیری از ورود خسارت یا توسعه آن در این زمینه اقدامی نکرده باشد، خواننده، مسئول نیست؛ زیرا در این صورت، سبب ورود خسارت خود متعهد له است.

ب. تقصیر مشترک

در این‌که آیا قاعده تقلیل خسارت و تقصیر مشترک را باید دو قاعده متفاوت تلقی کرد یا هر دو، گویای یک معناست، بین حقوق دانان اختلاف نظر وجود دارد. در کامن لا، اکثریت حقوق دانان، این قواعد را مستقل از هم می‌دانند، اما برخی حقوق دانان بین آن دو تفاوتی قائل نمی‌شوند و اعلام می‌کنند که قاعده تقلیل خسارت، جنبه‌ای دیگر از قاعده «تقصیر مشترک» است؛ زیرا هر دو قاعده زمانی اعمال می‌شوند که زیان دیده تقصیری مرتکب گشته و سبب ورود زیان یا تشدید آن شده است. در حقوق ایران، به عقیده برخی صاحب نظران، قاعده تقلیل خسارت همانند قاعده تقصیر مشترک مبتنی بر دخالت و تأثیر زیان دیده در ورود خسارت است و تفکیک بین این دو قاعده در کامن لا به دلیل سابقه تاریخی و اثر قاعده تقصیر مشترک بوده است.^۱

ج. نظریه قابل پیش‌بینی بودن ضرر

یکی از شرایط لازم برای مطالبه خسارت در برخی نظام‌های حقوقی این‌گونه است که ضرر قابل پیش‌بینی باشد. به موجب این نظریه فقط خساراتی قابل مطالبه است که هنگام تشکیل قرارداد پیش‌بینی شده یا قابل پیش‌بینی بوده باشد. به نظر برخی حقوق دانان، درست است که بین قاعده تقلیل خسارت و نظریه قابلیت پیش‌بینی ضرر، تشابه زیادی وجود دارد، اما این دو قاعده با هم تفاوت دارند و قاعده تقلیل خسارت، یکی از شاخه‌های قابلیت پیش‌بینی ضرر است.

در درجه اول، قاعده تقلیل خسارت بعد از نقض تعهد اعمال می‌شود و زیان دیده، مکلف به جلوگیری

۱. کاشانی، محمود، «تکلیف زیان دیده به کاستن از خسارت با تأکید بر حقوق انگلیس و آمریکا»، مجله علوم اجتماعی و انسانی، دوره هفدهم، شماره ۳۳، ۱۳۸۰، ص ۱۴۰.

از ورود یا توسعه خسارت می‌شود، در حالی که پیش‌بینی ضرر قبل از وقوع نقض است. در درجه دوم، وقتی متعهد له با زیان دیده برای تقلیل خسارت، هزینه‌هایی را متحمل می‌شود، این هزینه‌ها به موجب قاعده تقلیل خسارت باید جبران شود؛ زیرا نتیجه مستقیم تحمیل چنین وظیفه‌ای به زیان دیده است. در حالی که بر اساس نظریه قابلیت پیش‌بینی ضرر، این هزینه‌ها چون هنگام تشکیل قرارداد قابل پیش‌بینی نبوده است، قابل جبران نیست. در درجه سوم نیز ناتوانی مالی خواهان ممکن است روی رفتار وی بعد از نقض تعهد تأثیر بگذارد و در نتیجه، مانع از انجام اقدامات متناسب برای تقلیل خسارت شود یا هزینه‌های تقلیل خسارت را افزایش دهد یا حتی خسارت‌های جدید وارد کند. در این مورد، خواهان این خسارت را به صورت مستقیم در نتیجه وضعیت مالی خود و ناتوانی مالی برای تقلیل خسارت متحمل شده است. در این جا نیز خواهان می‌تواند این خسارت را با استناد به قاعده تقلیل خسارت به جای استناد به نظریه قابلیت پیش‌بینی ضرر مطالبه کند.^۱ پس نظریه قابل پیش‌بینی بودن ضرر با آن‌که از قاعده تقلیل خسارت متمایز است، یکی از مبانی قاعده تقلیل خسارت تلقی می‌شود و رفتار و اقدام زیان دیده در کاهش خسارت پس از وقوع نقض تعهد بر حسب متعارف امور، امری قابل پیش‌بینی است.

د. اصل حسن نیت

اصل کلی حسن نیت نه تنها در مرحله انعقاد و تفسیر قراردادها اعمال می‌شود، بلکه در اجرای قرارداد نیز کاربرد دارد و نقش عمده ایفا می‌کند. در قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲ لزوم رعایت حسن نیت در معاملات از جمله در اجرای قرارداد به صراحت مقرر شده است. حسن نیت در مرحله اجرا به این مفهوم است که هیچ یک از متعاقدين حق ندارد در روابط قراردادی به تدلیس و تقلب متوسل شود یا از اجرای تعهداتی امتناع ورزد که صداقت و درستی مستلزم اعمال آن‌هاست. لزوم رعایت حسن نیت تنها مربوط به متعهد نیست، بلکه متعهد له نیز مکلف به رعایت این اصل است. به عبارتی، داشتن حسن نیت تنها برای تأیید مفاد تعهد و اجرای کامل آن به کار نمی‌رود، بلکه می‌توان برای معاف شدن از اجرای تعهد نیز به آن استناد کرد. پس باید توجه داشت که لزوم رعایت

۱. قاسمی، محسن، «نقش قابل پیش‌بینی بودن خسارت در مسئولیت مدنی قراردادی و قهری»، تحقیقات حقوقی آزاد، شماره ۵، ۱۳۸۹، ص ۱۲۶.

حسن نیت تنها ناظر به متعهد نیست و متعهد له نیز باید با حسن نیت رفتار کند، به نحوی که در برخی نظام های حقوقی مانند آلمان و سوییس، مطالبه حق در شرایطی که تعادل عوضین از بین رفته، رفتاری خلاف حسن نیت تلقی شده است و آن را از مصادیق سوء استفاده از حق می دانند.^۱

گفتار دوم. شرایط اعمال قاعده تقلیل خسارت

وجود دو عامل در اعمال قاعده تقلیل خسارت، اساسی است: نقض قرارداد و امکان اجرای قاعده از طریق پرداخت خسارت به عنوان ضمانت اجرا. در این مبحث، شرایط اعمال قاعده تقلیل خسارت بررسی خواهد شد.

بند اول. نقض تعهد قراردادی یا قانونی

تقلیل خسارت، تکلیفی است که پس از محقق شدن مسئولیت به جبران خسارت ایجاد می شود؛ زیرا قبل از این مرحله، مسئولیتی برای خواننده دعوا وجود ندارد تا در مقابل آن، زیان دیده، متعهد به کاستن خسارت باشد. پس وظیفه تقلیل زیان، فرع بر تحقق مسئولیت مدنی اعم از قراردادی یا قهری است. وجه تمایز اصلی نظریه تقصیر مشترک با نظریه قاعده تقلیل خسارت این است که برخلاف نظریه تقصیر مشترک، در قاعده تقلیل خسارت، زیان دیده بعد از نقض قرارداد و ورود خسارت، مکلف به کاستن خسارت می شود. این در حالی است که به موجب نظریه تقصیر مشترک، ورود خسارت از ابتدا معلول اسباب متعدد است. در مسئولیت قهری به محض وقوع زیان که آن هم در واقع، نقض تعهد قانونی تلقی می شود، زیان دیده باید اقدام های لازم را برای کاهش خسارت انجام دهد. برای مثال، هرگاه بر اثر حادثه ای عمدی یا غیر عمدی، خانه ای دچار حریق شود، زیان دیده مکلف است تمهیدات لازم را برای حفظ اموال خود انجام دهد و مانع توسعه خسارت شود. در حقوق ایران، تبصره ماده ۳۵۵ قانون مجازات اسلامی در تأیید این امر، زیان دیده را بعد از وقوع حادثه زیان آور یعنی آتش سوزی، مکلف به مقابله با خسارت می کند. هم چنین ماده ۱۵ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۵، وقوع حادثه یا نزدیک شدن حادثه را شرط تحقق وظیفه بیمه گذار در تقلیل خسارت دانسته است.^۲

۱. انصاری، علی، «مفهوم و معنای حسن نیت در حقوق ایران و فرانسه»، پژوهش های حقوق تطبیقی، دوره سیزدهم، شماره ۶۳، ص ۲۵.

۲. طهماسبی، علی و کوروش علی پور، «اثر تقصیر و مسئولیت محض در ترغیب عامل زیان و زیان دیده به رعایت احتیاط»، مجله حقوقی دادگستری، دوره هفتاد و پنجم، شماره ۷۴، ۱۳۹۰، ص ۱۳۶.

نظریه نقض قابل پیش‌بینی در نظام حقوقی کامن لاریشه دارد و اگر متعهد له با نقض محتمل مواجه شود، می‌تواند با قبول نقض قابل پیش‌بینی به قرارداد خاتمه دهد و خسارت وارد شده را مطالبه کند که در این صورت، مشمول قاعده تقلیل خسارت می‌شود یا مختار است منتظر زمان اجرا باشد که در چنین حالتی، مکلف به تقلیل خسارت نیست. به نظر برخی حقوق دانان، قاعده تقلیل خسارت، یکی از مبانی نظریه نقض قابل پیش‌بینی است؛ چون فسخ قرارداد توسط متعهد له در صورت قابل پیش‌بینی بودن نقص در مقایسه با منتظر ماندن تا سررسید موعد انجام تعهد و تخلف طرف دیگر خسارت به مراتب، بار کم‌تری خواهد آورد. بنابراین، متعهد له برای تقلیل خسارت باید قرارداد را منحل و قرارداد جای‌گزین منعقد کند.^۱

بند دوم. اطلاع زیان دیده از نقض تعهد

برای تحقق وظیفه تقلیل خسارت لازم است که زیان دیده از نقض تعهد توسط خواننده مطلع باشد تا بتواند با آگاهی از چنین وضعیتی نسبت به تقلیل خسارت اقدام کند. حتی مواردی که خواهان به طور متعارف باید از نقض تعهد آگاه می‌شد، اما به علت بی‌دقتی خویش از این امر باخبر نشده است، باز هم وظیفه تقلیل خسارت تحقق نمی‌یابد. در مقابل نظر یاد شده گفته‌اند که اگر خواهان فرصت مشخص برای کشف و احراز نقض قرارداد را داشته، اما چنین اقدامی نکرده باشد، تحقق وظیفه تقلیل دور از ذهن نیست، مانند موردی که به خریدار هشدار داده شده است کالا را آزمایش کند، اما وی چنین نکرده است.^۲

بند سوم. امکان پذیر بودن تقلیل خسارت

تکلیف زیان دیده یا متعهد له به تقلیل خسارت مطلق و بی‌حد و حصر نیست، بلکه وی زمانی متعهد به کاستن از خسارت است که جلوگیری از خسارت ممکن باشد. بنابراین، اگر نقض تعهد رخ دهد و زیان دیده از آن آگاه شود، اما امکان جلوگیری از توسعه خسارت برای وی نباشد، خواننده نمی‌تواند به قاعده تقلیل خسارت استناد کند و خسارت کم‌تری به زیان دیده بپردازد. منظور از

۱. غفاری فارسانی، بهنام، «اثر نقض قابل پیش‌بینی بر روابط قراردادی»، فصل‌نامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره سی و نهم، شماره ۲، ۱۳۸۸، ص ۲۶۳.

۲. عبادی بشیر، مقصود، «تأثیر کاهلی زیان دیده در جبران خسارت»، مجله معرفت، سال بیستم، شماره ۶، ۱۳۹۰، ص ۴۶۲.

این که امکان جلوگیری از توسعه خسارت باشد، این است که با اقدام های متعارف و معقول، کاهش دادن خسارات وارد شده ممکن باشد. بدین ترتیب، اگر تقلیل خسارت با مشقت و سختی همراه باشد، زیان دیده، تکلیفی برای تقلیل خسارت ندارد و موظف نیست به اقدام های نامتعارف و دشوار دست بزند تا از میزان خسارت وارد شده بکاهد. به بیان دیگر، حقوق از زیان دیده انتظار شجاعت ندارد، بلکه انتظار دارد تنها اقدام های متعارف را انجام دهد. از حکم ماده ۲۰۵ ق.م نیز در این مورد می توان کمک گرفت، با این توضیح که اگر شخص در مواجهه با تهدید (اکراه)، امکان دفع اکراه را بدون مشقت داشته باشد، مکره محسوب نمی شود.^۱

بند چهارم. زمان اقدام متعارف

یکی از معیارهای تعیین کننده در محاسبه اقدام های معقول برای تقلیل خسارت، مسئله زمان اقدام زیان دیده است. در اصل، بعد از نقض قرارداد باید به زیان دیده فرصت داد در مورد نحوه اقدامش تصمیم بگیرد و بدیهی است که در هر قضیه، آغاز زمان اقدام متفاوت خواهد بود. از زیان دیده نمی توان انتظار داشت که فوری اقدام کند و مانع از توسعه خسارت شود، بلکه زمان اقدام به اوضاع و شرایط قضیه بستگی دارد. واقعیت این است که هیچ قاعده خاصی برای تشخیص زمان متعارف در راستای آغاز اقدام به کاهش زیان وجود ندارد و دادرس باید با در نظر گرفتن اوضاع و احوال خاص در هر قضیه، چنین زمانی را تعیین کند.^۲

گفتار سوم. قاعده تقلیل خسارت در مسئولیت مدنی دولت

بند اول. تقلیل خسارت در مسئولیت قراردادی دولت

امروزه دولت ها نیز مانند اشخاص حقیقی و حقوقی حقوق خصوصی قرارداد می بندند. برخی از این عقود مانند عقود اشخاص عادی است، مثل خرید و فروش یا اجاره اموال که دولت برای اداره اموال خصوصی خود منعقد می کند. به همین دلیل، احکام و آثار این عقود را باید در حقوق مدنی و قواعد

۱. خادم سربخش، مهدی، «تأثیر حالت و وضعیت زیان دیده بر مسئولیت عامل زیان»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۰، ۱۳۸۹، ص ۳۶.

۲. امیری قائم مقامی، عبدالمجید، حقوق تعهدات، تهران: میزان، چاپ دهم، ۱۴۰۱، ص ۶۹.

عمومی قراردادها جست. قسمتی دیگر از قراردادهای دولت را باید عقود اداری نامید، مانند مقاطعات دولتی، قرضه عمومی و قرارداد استخدامی که این قراردادها تابع احکام قانون مدنی نیستند. با این همه، در این قراردادها نیز در صورت نقض قرارداد و ورود خسارت باید خسارت جبران گردد. در خصوص قراردادهای اداری، تعهدات دولت انعطاف‌پذیر است و دولت می‌تواند آن‌ها را یک‌طرفه فسخ کند یا تغییر دهد و اگر به ضرر طرف مقابل باشد، به وی، حق مطالبه خسارت می‌دهد.^۱

در حال حاضر، مسئولیت مدنی دولت و لزوم جبران در صورت انجام افعال زیان‌بار، اصل مسلّم حقوقی در همه کشورهای دنیاست. هرچند در مورد حدود و ثغور آن میان نظام‌های حقوقی گوناگون، تفاوت‌های فراوانی به چشم می‌خورد، ولی وجه مشترک همه این نظام‌ها این است که قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی دولت با موازین موجود در مسئولیت مدنی اشخاص حقوق خصوصی تفاوت‌های فراوان دارد.^۲ برای شکل‌گیری و تثبیت نهاد مسئولیت مدنی دولت باید اصل حکومت قانون در اداره نهادینه شود. در غیر این صورت، صحبت از مسئولیت مدنی دولت بی‌معنا خواهد بود. به این اعتبار، اصل حکومت قانون، بنیان نظریه مسئولیت مدنی اداره را تشکیل می‌دهد و از رهگذر تثبیت این اصل در اداره است که می‌توان به مسئولیت مدنی دولت پرداخت.^۳

بخشی از قراردادهای اداری، امتیازاتی را برای طرف دولتی به همراه دارد که از آن با عنوان «اقتدارات و امتیازات قدرت عمومی» یاد می‌شود، اما با توجه به مبانی حقوقی قاعده «تقلیل خسارت»، آن را می‌توان در قراردادهای اداری نیز جاری دانست. هم‌چنین با توجه به این‌که در قراردادهای اداری نیز وقوع خسارت محتمل است، در این فرض، خواهان باید اقدامات متعارف در حد جلوگیری از ضرر و زیان وارد شده را انجام دهد. اگر اشخاص حقوق خصوصی در برابر دولت، اقدامات لازم را برای تقلیل خسارت انجام ندهند، می‌توان دولت را از پرداخت بخشی از خسارت معاف دانست.

۱. یزدانیان، علی‌رضا، «گام‌هایی در طرح مسئولیت مدنی دولت ناشی از فعل شخصی، فعل اشیا و فعل غیر در حقوق ایران و فرانسه»، مطالعات حقوق خصوصی، دوره چهارم و پنجم، شماره ۳، ۱۳۹۴، ص ۵۱۱.

۲. گودرزی، مرتضی و همکاران، «رویکردی میان‌رشته‌ای به مسئولیت مدنی دولت در خط‌مشی‌گذاری عمومی، راهبرد اجتماعی فرهنگی»، سال هشتم، شماره ۳۳، ۱۳۹۸، ص ۵۹.

۳. مولایی، آیت، «موانع و چالش‌های اعمال مسئولیت مدنی دولت در ایران»، مطالعات حقوق عمومی، دوره پنجاهم، شماره ۴، ۱۳۹۹، ص ۱۴۳۶؛ گودرزی و همکاران، پیشین، ص ۵۹.

بند دوم. تقلیل خسارت در مسئولیت غیر قراردادی دولت

الف. تقلیل خسارت در مسائل زیست محیطی

بیمه مسئولیت محیط زیست، نوعی از بیمه است که هزینه‌های مربوط به جبران خسارت ناشی از آسیب‌های زیست محیطی مانند آلودگی زمین، آب، هوا و آسیب به تنوع زیستی را تحت پوشش قرار می‌دهد. این بیمه بر اساس اصل مسئولیت محیط زیست و مبتنی بر قانون شکل می‌گیرد که در آن، مجریان و فعالان تخریب و آلودگی محیط زیست بدون هیچ فرضی در قبال آن مسئولیت دارند. در نظام حقوقی ایران با وجود مقرره‌هایی هم‌چون تکلیف صاحبان مسئولیت کارخانه‌جات و کارگاه‌های آلوده‌کننده به پرداخت ضرر و زیان وارده به محیط زیست و اشخاص حقیقی و حقوقی به حکم دادگاه صالحه (تبصره ۱ ماده ۲۹ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا) و نیز ملزم کردن متخلفان از مصوبات و تصمیمات سازمان حفاظت محیط زیست به جبران خسارت وارده (تبصره ۲ ماده ۱۱ قانون هوای پاک)، قانون‌گذار تاکنون بیمه مسئولیت محیط زیست را به طور کلی برای مشاغل اقتصادی آلاینده محیط زیست اجباری نکرده است که با توجه به مفاد اصل پنجاهم قانون اساسی قابل انتقاد به نظر می‌رسد.^۱

بنابراین، در موارد مربوط به بحران‌های زیست محیطی، مردم نیز مکلفند تا حد امکان از وقوع خسارت‌های بیش‌تر پیش‌گیری کنند. در فرضی که شخصی امکان پیش‌گیری از خسارت را داشته و اقدامی را انجام نداده است، می‌توان دولت را نسبت به بخشی از خسارت معاف دانست.

ب. قاعده هشدار یا تحذیر

بسیاری از زمان‌ها میان عامل زیان و زیان دیده هیچ‌گونه قراردادی وجود ندارد و مسئول شناختن عامل زیان در نتیجه تخلف از تعهد غیر قراردادی است. تعهد به هشدار دادن، محدود به قراردادهای نیست، بلکه بیش‌تر این تعهدات در جامعه کنونی با پیشرفت تکنولوژی و پیچیده شدن روابط اشخاص، ناشی از تعهدات غیر قراردادی است. در واقع، تخلف از مقررات قانونی موجب مسئولیت و انجام مقررات قانونی یادشده موجب سلب مسئولیت است. برای نمونه، ماده ۶۶

۱. جلالی، حسین، «تحلیل سازوکارهای مسئولیت مدنی در جبران خسارت ناشی از آسیب‌های زیست محیطی»، انسان و محیط زیست، شماره ۶۳، ۱۴۰۱، ص ۲۲۶.

آیین‌نامه ایمنی تصفیه‌خانه‌های آب و فاضلاب مصوب ۱۳۸۹ مقرر می‌دارد: «مواد خطرناک و سمی باید در محفظه‌های قفل‌دار، دارای علائم هشداردهنده و دور از دسترس افراد متفرقه نگه‌داری شود.» اگر به این تکلیف قانونی عمل نشود و خسارتی به بار آید، مسئولیت غیر قراردادی است. شهرداری‌ها، ادارات راه و ترابری، پلیس راهنمایی و رانندگی، ورزشکاران و کارگزاران ورزشی، مرتبطان با ساخت و ساز اعم از پیمانکاران و مهندسان ناظر در صورت رعایت احتیاط و هشدار می‌توانند از مسئولیت مبرا شوند.^۱

ج. قوه قاهره

پیش‌بینی مسئولیت مدنی برای یک حادثه، اشخاص را به تغییر رفتار از طریق تمهیدات پیش‌گیرانه قبل از تحقق حوادث تشویق می‌کند. با این تحلیل، این‌که زیان وارده به زیان‌دیده پس از تحقق حادثه جبران می‌شود، به عنوان هدف مسئولیت مدنی دیده نمی‌شود، بلکه مسئولیت مدنی، ابزاری در نظر گرفته می‌شود که انگیزه‌های کافی برای انجام رفتار پیش‌گیرانه از سوی عامل زیان بالقوه ایجاد می‌کند.^۲

قوه قاهره که در معنای عام بر وقایع پیش‌بینی‌ناپذیر، نامنتظره و اجتناب‌ناپذیر دلالت دارد، در مدیریت کشور به عنوان «بحران» شناخته می‌شود. البته بحران، یکی از مصادیق فورس ماژور است، اما معمولاً اولین مصادیقی که با استعمال قوه قاهره به ذهن می‌رسد، نمونه‌های حوادث طبیعی هم‌چون سیل و زلزله هستند. با این حال، در فرض نبود تقصیر، اداره یا دولت، مکلف به جبران نسبی ضرر برای شهروندان شده است. با کاوش در پیشینه مدیریت بحران‌ها در کشور می‌توان گفت در نظام حقوقی ایران، قانون دایمی برای تعیین تکلیف دولت و اداره و الزام آن‌ها برای حمایت از آسیب‌دیدگان وجود ندارد، اما دولت در این زمینه فعال بوده است.^۳

۱. اکبری، پرویز و اصغر عربیان، «بررسی دامنه قاعده تحذیر در حقوق موضوعه»، مبانی فقهی حقوق اسلامی، شماره ۲۵، ۱۳۹۹، ص ۱۳.

۲. جوان جعفری، محمدرضا و همکاران، «مطالعه تطبیقی رابطه حقوق تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی»، فصل‌نامه حقوق اداری، سال هشتم، شماره ۲۶، ۱۴۰۰، ص ۶۱.

۳. امامی، محمد و همکاران، «تأملی بر استثنائات مسئولیت مدنی دولت در نظام حقوقی ایران»، پژوهش‌های نوین حقوق اداری، سال سوم، شماره ۶، ۱۴۰۰، ص ۱۶.

گفتار چهارم. مبانی تکلیف زیان دیده و آثار قاعده تقلیل خسارت

بند اول. کاهش میزان خسارت از طریق خواهان

تقلیل خسارت بنا به مصالح اقتصادی توجیه‌کننده خود به دنبال این است که با اعمال برخی محرومیت‌ها از نابودی منابع اقتصادی جلوگیری کند تا نه تنها عاملان زیان، بلکه زیان دیدگان نیز مراقب رفتار و نوع برخورد خویش با خساراتی باشند که متحمل می‌شوند. به عبارت دیگر، زیان دیده بودن نمی‌تواند مجوز این باشد که شخص به آسانی از کنار گسترش ضرر بگذرد و نظاره‌گر افزایش دامنه آن باشد. به همین دلیل، اثر اولیه و اصلی قاعده همین امر دانسته شده است. بنا به همین دلایل، این قاعده در همه انواع خسارت جریان یافته و در هر حوزه مسئولیت اعم از قهری و قراردادی اعمال شده است و در اعمال آن، سخت‌گیری زیادی نمی‌شود؛ زیرا کم کردن میزان خسارتی که در انتها به همه جامعه وارد می‌شود، اهمیت دارد.

بند دوم. امکان ناپذیری الزام خواهان

تعهد نیاز به سبب دارد، اما سبب ایجاد تعهد برای خواهان از کجاست؟ اگر حق الزام متعهد له از عناصر تعریف تعهد ذکر شود، نمی‌توان از تعهد خواهان صحبت کرد. ویژگی تعهد، لازم‌الاجرا بودن آن است، به این معنا که متعهد له می‌تواند متعهد را به اجرای عین تعهد وادار سازد. این در حالی است که در مورد تعهد به جلوگیری از خسارت چنین چیزی صادق نیست، بلکه قصور وی در اجرای این تعهد باعث می‌شود تا نسبت به زیان‌هایی که قابل پیش‌بینی و پیش‌گیری بوده‌اند، حق دریافت خسارت نداشته باشد. تنها اثر اعمال این قاعده، رهایی خواننده از خسارت قابل اجتناب است و این قاعده از امکان الزام خواهان به انجام این امر دور است و بیش‌تر به یک سند قانونی شبیه است. آن چه با تعهد و تکلیف ملازمه دارد، الزام به انجام تعهد است، در حالی که هیچ‌گونه الزامی از سوی خواننده علیه خواهان وجود ندارد. به علاوه، اگر این عملیات یک تعهد برای خواهان باشد و آن را انجام ندهد، باید خسارت آن را جبران کند، در حالی که اگر خواهان، اقدامات متعارف را انجام ندهد، هیچ مسئولیتی در قبال خواننده ندارد. به همین دلیل، برخی نویسندگان در نبود حق الزام برای خواهان تردید نکرده‌اند.

بند سوم. آزادی خواهان در انتخاب روش

بر اساس قاعده تقلیل خسارت، خواهان تا جایی که می‌تواند، باید از گسترش یا ورود ضرر به خود جلوگیری کند، اما شرایط آن را مشخص نمی‌کند. به عبارت دیگر، راه این اقدام را روشن نمی‌سازد. این امر نه منطقی است و نه عملی؛ چون گذشته از آن که دعوی مسئولیت مدنی به خودی خود، منحصر به فرد و موردی هستند و در هر مورد ممکن است با مورد دیگر متفاوت باشند، معیار پذیرفته شده در بررسی عملکرد خواهان، معیار متعارف است که بدیهی است آن را در هر مورد باید جداگانه بررسی کرد. بنابراین، نوع عملیات خواهان قاعده‌بردار نیست و در هر مورد، قاضی باید جداگانه به آن بپردازد. در واقع، مهم‌ترین ملاک در این مورد، متعارف بودن آن فعل است که هرگاه به تشخیص دادگاه، خواهان متعارف عمل کرده باشد، وظیفه خود را ادا کرده است و ماهیت عمل او چندان اهمیتی ندارد. پس هنگامی که راه‌های متفاوتی برای کاهش خسارت وجود دارد، خواهان در انتخاب هر یک از راه‌ها مخیر است و خطر ناکامی در آن شیوه با خوانده است که عامل زیان محسوب می‌شود.^۱

در واقع، هدف این قاعده، کاهش خسارت به هر طریقی است که معقول و متعارف همان شرایط باشد. پس دیگر نیازی نیست در این مورد وارد تکلف شد و خواهان را با قرار دادن شرایط و ضوابط خاص از تقلیل خسارت منصرف کرد؛ زیرا در شرایط وقوع زیان، انتظار داشتن عمل به همه شرایط و مقرراتی که برای چنین موردی لحاظ شده است، قدری دور از انصاف است و خواهان را دچار عسر و حرج می‌کند. بنابراین، هرگاه خواهان برای جلوگیری از خسارت، اقدامی انجام دهد که هر فرد متعارف در آن اوضاع و احوال انجام می‌دهد، ولی بعد اثبات شود که این اقدامات اشتباه بوده و به عبارتی، بهترین راه حل نبوده است، این امر بر جبران خسارت وی تأثیری ندارد و نمی‌توان او را مقصر دانست.

بند چهارم. عدم تعهد به نتیجه

قاعده تقلیل خسارت به دنبال آن است که از انفعال خواهان در روند گسترش زیان بکاهد و به عبارتی، خواهان را وادارد که برای جلوگیری از هدررفت سرمایه بکوشد، اما ضرورتی ندارد که اقدامات خواهان برای کاهش خسارت به نتیجه برسد. در واقع، خواهان باید اقدامات معقول و متعارف را برای کاهش

۱. حشمتی، ابوالفضل و محمدحسین بیاتی، «وظایف و مسئولیت مدنی زیان‌دیده در مقابله و کاهش خسارت»، پژوهش‌نامه حقوق خصوصی عدالت، شماره ۳، ۱۳۹۴، ص ۲۹.

خسارت انجام دهد، ولی این‌که تلاش وی به نتیجه برسد یا نرسد، ربطی به او ندارد. خواهان به هر حال می‌تواند هزینه‌های انجام شده را از خواننده مطالبه کند؛ زیرا اگر عملیات خواهان، مقید به نتیجه باشد، ضرری مضاعف به او به حساب می‌آید. ضرر را شخص دیگری به وجود آورده و خواهان همه تلاش خود را برای جلوگیری از ضرر انجام داده است، اما چون در نهایت موفق نشده از میزان ضرر بکاهد، از دریافت خسارت آن محروم می‌شود. در چنین حالتی، زنجیره علل هنوز از فعل خواننده نگسسته است و هم‌چنان خود او، عامل مجموع زیان تلقی می‌شود. پس دلیلی وجود ندارد که خواهان دارای حسن نیت و کوشا را از دریافت هزینه تلاشش محروم کنیم. حتی گفته شده که ممکن است اقدامات خواهان موجب افزایش خسارت شود، اما مهم این است که خواهان به طور متعارف عمل کرده باشد.^۱

بند پنجم. جبران هزینه‌های صورت‌گرفته برای تقلیل خسارت

پس از ورود ضرر یا نقض قرارداد، ضررهایی به خواهان وارد می‌شود که مطابق قاعده تقلیل خسارت موظف است از میزان خسارات وارد شده به خود بکاهد. در نتیجه، اگر زیان‌هایی باشد که قابل اجتناب بودند، خواهان حق دریافت خسارت از آن‌ها را نخواهد داشت. مسئولیت تمام خسارت قابل اجتناب به عهده خواهان است؛ یعنی قصور خواهان در کاهش خسارت ناشی از نقض با بروز ضرر به کاهش خسارت دریافتی او می‌انجامد.^۲ پس خواهان متعهد است در حد متعارف برای جلوگیری از وقوع زیان تلاش کند. هرگاه در این مورد قصور کند و اقدامی در این زمینه انجام ندهد، نسبت به زیان‌های قابل اجتناب، حق مطالبه جبران خسارت را ندارد. مهم این است که بررسی شود تقصیر خواهان و به عبارتی، اعمال او تا چه حد در ایجاد زیان مضاعف دخالت داشته و چه میزان از زیان منتسب به اوست. هرگاه تلاش متعارفی نکرده باشد، تقلیل خسارت از طریق خواهان سبب می‌شود در برخی هزینه‌ها صرفه‌جویی شود. این هزینه‌ها نیز قابل جبران نیستند؛ زیرا در صورت نقض قرارداد، تلاش این است که خواهان در موقعیتی قرار گیرد که در صورت اجرای قرارداد داشت. پس نباید بیش از آن‌چه در صورت اجرای قرارداد به او می‌رسید، دارا شود. بنابراین، پرداخت چنین هزینه‌هایی به منزله دارا شدن ناعادلانه و بلاجهت خواهان است.

۱. حسینی مدزس، سید مهدی و عصمت گلشنی، «طریق جبرانی پرداخت خسارت نقض تعهدات قراردادی در حقوق انگلستان و طرح آن در حقوق ایران»، دانش حقوق مدنی، سال دوم، شماره ۲، ۱۳۹۲، ص ۱۰۰.

۲. داراب‌پور، مه‌راب، مسئولیت‌های خارج از قرارداد، تهران: مجد، چاپ دوم، ۱۳۹۰، ص ۲۵.

بند ششم. تأثیر نداشتن شرایط روانی خواننده در ایجاد تکلیف

منظور از وضعیت روانی، تقصیر یا تعهد خواننده است. برای محقق شدن تکلیف، تقصیر یا تعهد خواننده در ورود خسارت به زیان دیده شرط نیست، ولی ضرری که توسط خواننده به وجود آمده، یا از روی عمد و عدوان بوده است یا بر اثر بی احتیاطی یا در مسئولیت قراردادی ناشی از ناتوانی واقعی وی از انجام تعهد بدون این که در این راه عمدی داشته باشد. این عوامل در وظیفه‌ای که خواهان در مواجهه با ضررهای به وجود آمده، بی تأثیرند و او در هر حال، موظف به انجام این اقدامات است. بنابراین، عنوان می‌شود وضعیت روانی خواننده در ایجاد مسئولیت برای خواهان بی تأثیر است. تنها اثر این وضعیت بر اصل مسئولیت خواننده است؛ بدین ترتیب که هرگاه خواننده به صورت عمدی، خواهان را در معرض زیان قرار دهد، علی‌الاصول ملزم به پرداخت خسارت است، مگر این که خواهان عمداً از ورود خسارت به خود جلوگیری نکند. پس اگر خواهان در جلوگیری از خسارت بی‌مبالاتی کرده باشد، باز هم حق مطالبه دارد. در حالی که اگر خواننده عمدی نداشته باشد، خودداری خواهان از جلوگیری از خسارت موجب محرومیت او از مطالبه غرامت نسبت به خسارتی می‌شود که قابل جلوگیری بوده است، خواه جلوگیری نکردن، عمدی باشد یا غیر عمدی. این مسئله به این نحو توجیه می‌شود که هرگاه در ایجاد زیان، عمد و غیر عمد دخالت داشته باشند، عامد، مسئول جبران خسارت است.^۱

این مسئله یک رابطه دوسویه است. از یک سو، ممکن است خواننده به لحاظ اصول مسئولیت مدنی، مرتکب هیچ گونه تقصیری نشده باشد یا هر چند مرتکب تقصیر شده، اما مبراً از انجام مسئولیت است، مثل اضطرار، اما این امر از وظیفه خواهان نمی‌کاهد. از سوی دیگر، این که خواننده در اعمال زیان مقصر بوده است، توجیهی برای رهایی خواهان از انجام اقداماتی برای کاهش خسارت تلقی نمی‌شود. البته روشن است این مطلب به معنای تأثیر نداشتن تقصیر یا عدم تقصیر خواننده در ارتکاب فعل زیان بار نیست، بلکه میبین تفکیک وظیفه کاهش خسارت از فعل خواننده است. در نتیجه، نباید تکلیف زیان دیده را امری وابسته به عملیات زیان بار خواننده دانست، به گونه‌ای که با پیروی از آن به هر رنگی درآید که فعل خواننده به آن رنگ است، بلکه وظیفه خواهان، چیزی مستقل از عملیات خسارت بار خواننده است و هیچ گونه ارتباطی با آن ندارد.

۱. سادات اخوی، سید محسن و سید محمود کاشانی، «تکلیف زیان دیده به کاهش خسارت با تأکید بر حقوق انگلیس و آمریکا»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره هفدهم، شماره ۱، ۱۳۸۰، ص ۳۸.

نتیجه‌گیری

معمولاً هنگامی که از زیان دیده سخن به میان می‌آید، شخصی بی‌تقصیر به ذهن می‌رسد که در پی وقوع عملی زیان بار از طرف شخصی دیگر متضرر گردیده است و چنین تصور می‌شود که زیان‌زننده باید همه خسارت‌های وارد شده را جبران کند. این در حالی است که گاهی ممکن است خود زیان دیده باعث ورود خسارت به خودش شده باشد، خواه ورود زیان قبل یا هم‌زمان با ارتکاب فعل زیان بار از طرف عامل زیان باشد یا ضرر وارد شده ناشی از اقدام زیان دیده پس از ارتکاب خطا از طرف زیان‌زننده باشد که مطلب اخیر، موضوع بحث این مقاله را تشکیل می‌داد.

دریافتیم که زیان دیده از خسارت ناشی از نقض قرارداد، اعم از خریدار و فروشنده در خصوص خسارت‌هایی که می‌توانست با اقدامات معقول اعم از فعل یا ترک فعل از بروز آن‌ها پیش‌گیری کند، مستحق غرامت نیست. تعهد به کاهش خسارت پس از ورود خسارت ایجاد می‌شود، ولی برخی حقوق دانان و روبه قضایی ایران و آلمان با این استدلال که امکان اقدام زیان دیده در موارد نقض قابل پیش‌بینی در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰) پذیرفته شده است، این قاعده را قبل از نقض قرارداد و حتی قبل از انعقاد قرارداد قابل اعمال دانسته‌اند. البته این نتیجه‌گیری را باید با احتیاط و به طور مزیق پذیرفت تا به لزوم وفای به عهد در اجرای قراردادها آسیبی نرسد.

مطابق قاعده تقلیل خسارت، زیان دیده متعهد است تمام اقدام‌های متعارف و معقولی را انجام دهد که برای کاستن از خسارت لازم و ضروری است. البته تعهد به کاستن از خسارت همانند هر تعهد دیگری تحت شرایط خاصی ایجاد می‌شود و نقض تعهد، آگاهی زیان دیده و امکان تقلیل خسارت، شرایط لازم برای اعمال قاعده تقلیل خسارت هستند. زیان دیده متعهد است به محض پیش‌بینی نقض قرارداد، اقدام‌های لازم را برای کاستن خسارت انجام دهد. هم‌چنین زیان دیده تنها مکلف به انجام اقدام‌های متعارف و معقول برای تقلیل خسارت است و از زیان دیده انتظار نمی‌رود اقدام‌های نامتعارف و مشقت‌آور انجام دهد؛ زیرا در درجه اول، حقوق از اشخاص، انتظار فداکاری و ابراز شجاعت ندارد. در درجه دوم، مقصر اصلی، خواننده است که با نقض تعهد خود باعث ایجاد مشکل برای خواهان شده است. در واقع، دلیل تحمیل وظیفه تقلیل خسارت بر زیان دیده، نقض تعهد توسط خواننده است. پس سخت‌گیری در مورد تقلیل خسارت بر خواهان روا نیست.

معیار اقدام‌های متعارف نیز شخصی است و دادگاه در هر قضیه بر اساس اوضاع و احوال حاکم بر موضوع، ارزیابی خود را از نحوه اقدام زیان‌دیده انجام خواهد داد. اقدام‌های زیان‌دیده در کاهش خسارت به دو شکل فعل مثبت و منفی امکان‌پذیر است. باید توجه داشت که تکلیف زیان‌دیده از مصادیق تعهد به وسیله است. با این حال، امکان دارد با وجود جمع بودن شرایط تحقق قاعده تقلیل خسارت، موانعی مانع اعمال این قاعده شوند. در موردی که اجرای عین تعهد به عنوان ضمانت اجرای اصلی نقض تعهد است، اجرای عین تعهد، مانع اصلی در اجرای قاعده مورد بحث تلقی می‌شود. به همین دلیل، قلمرو اجرای این قاعده در حقوق ایران و نظام‌های حقوقی مشابه، مضیق‌تر از نظام کامن‌لاست که در آن، اجرای عین تعهد به عنوان اصل در نظر گرفته نشده است. به عنوان یک نتیجه کلی باید گفت این قاعده، یک قاعده و اصل کلی حقوقی و عقلایی است که در بیش‌تر نظام‌های حقوقی از جمله حقوق ایران و آلمان قابل اعمال و اجراست، هر چند دامنه شمول و وسعت آن در نظام‌های مختلف یکسان نیست. به عبارت دیگر، می‌توان گفت این قاعده یک قاعده پذیرفته‌شده جهانی است. بنابراین، قانون‌گذار باید هنگام تصویب قوانین خاص همانند قوانین استخدامی یا قانون بیمه، با توجه به جمیع اصول و قواعد، این قاعده را به صراحت بپذیرد. نویسندگان حقوقی نیز با بررسی این قاعده و آثار اعمال آن باید ویژگی‌هایش را به دقت بررسی کنند؛ زیرا اظهار نظرهای مختلف در خصوص یک مسئله موجب آشکار شدن بیش‌تر و بهتر محاسن و معایب آن می‌گردد.

رویه قضایی نیز می‌تواند با تفسیر قوانین و با توجه به مبانی کلی حقوقی در مواردی که این قاعده قابل اعمال است و با اصول حقوقی موجود برخوردی ندارد، این قاعده را در عمل بپذیرند؛ چون این کار باعث ایجاد زمینه بحث و بررسی در این خصوص می‌شود و راه‌گشای قانون‌گذار در پذیرش صریح این قاعده در بعضی موارد است.

مقایسه حقوق مدنی ایران با حقوق آلمان بیانگر ناکارآمدی در بحث ضمانت اجرای نقض قرارداد به ویژه تعیین خسارت است. از این رو، پیشنهاد می‌شود در قوانین مختلف ایران از جمله قانون مدنی با اقتباس از حقوق کشورهای دیگر، مقررات روشن و کارآمدی برای حمایت از طرف زیان‌دیده از نقض قرارداد پیش‌بینی گردد.

فهرست منابع

۱. فارسی

الف) کتاب

۱. امیری قائم مقامی، عبدالمجید، حقوق تعهدات، تهران: میزان، چاپ دهم، ۱۴۰۱.
۲. داراب پور، مهرباب، مسئولیت‌های خارج از قرارداد، تهران: مجد، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
۳. شهیدی، سید مهدی، آثار قراردادها و تعهدات، تهران: مجد، چاپ شصت و یکم، ۱۴۰۱.
۴. یزدانیان، علی‌رضا، حقوق مدنی، قواعد عمومی مسئولیت مدنی، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶.

ب) مقاله

۱. اکبری، پرویز و اصغر عربیان، «بررسی دامنه قاعده تحذیر در حقوق موضوعه»، مبانی فقهی حقوق اسلامی، شماره ۲۵، ۱۳۹۹.
۲. امامی، محمد و همکاران، «تأملی بر استثنائات مسئولیت مدنی دولت در نظام حقوقی ایران»، پژوهش‌های نوین حقوق اداری، سال سوم، شماره ۶، ۱۴۰۰.
۳. انصاری، علی، «مفهوم و معنای حسن نیت در حقوق ایران و فرانسه»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره سیزدهم، شماره ۶۳.
۴. جلالی، حسین، «تحلیل سازوکارهای مسئولیت مدنی در جبران خسارت ناشی از آسیب‌های زیست‌محیطی»، انسان و محیط زیست، شماره ۶۳، ۱۴۰۱.
۵. جوان جعفری، محمدرضا و همکاران، «مطالعه تطبیقی رابطه حقوق تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی»، فصل‌نامه حقوق اداری، سال هشتم، شماره ۲۶، ۱۴۰۰.
۶. حسینی مدژس، سید مهدی و عصمت گلشنی، «طریق جبرانی پرداخت خسارت نقض تعهدات قراردادی در حقوق انگلستان و طرح آن در حقوق ایران»، دانش حقوق مدنی، سال دوم، شماره ۲، ۱۳۹۲.
۷. حشمتی، ابوالفضل و محمدحسین بیاتی، «وظایف و مسئولیت مدنی زیان دیده در مقابله و کاهش خسارت»، پژوهش‌نامه حقوق خصوصی عدالت، شماره ۳، ۱۳۹۴.
۸. خادم سربخش، مهدی، «تأثیر حالت و وضعیت زیان دیده بر مسئولیت عامل زیان»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۰، ۱۳۸۹.

۹. سادات اخوی، سید محسن و سید محمود کاشانی، «تکلیف زیان‌دیده به کاهش خسارت با تأکید بر حقوق انگلیس و آمریکا»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره هفدهم، شماره ۱، ۱۳۸۰.
۱۰. سلمان‌زاده، جعفر و حمید مسجدرایی، «بررسی تطبیقی شرایط اعمال و اجرای قاعده مقابله با خسارت در نظام حقوقی ایران و آمریکا»، پژوهش حقوق تطبیقی اسلام و غرب، سال هشتم، شماره ۳، ۱۴۰۰.
۱۱. شعاریان، ابراهیم و یوسف مولایی، «شرایط و موانع اعمال قاعده تقلیل خسارت»، پژوهش حقوق خصوصی، سال دوم، شماره ۳، ۱۳۹۲.
۱۲. طهماسبی، علی و کوروش علی‌پور، «اثر تقصیر و مسئولیت محض در ترغیب عامل زیان‌دیده به رعایت احتیاط»، مجله حقوقی دادگستری، دوره هفتاد و پنجم، شماره ۷۴، ۱۳۹۰.
۱۳. عبادی بشیر، مقصود، «تأثیر کاهلی زیان‌دیده در جبران خسارت»، مجله معرفت، سال بیستم، شماره ۶، ۱۳۹۰.
۱۴. غفاری فارسانی، بهنام، «اثر نقض قابل پیش‌بینی بر روابط قراردادی»، فصل‌نامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره سی و نهم، شماره ۲، ۱۳۸۸.
۱۵. قاسمی، محسن، «نقش قابل پیش‌بینی بودن خسارت در مسئولیت مدنی قراردادی و قهری»، تحقیقات حقوقی آزاد، شماره ۵، ۱۳۸۹.
۱۶. کاشانی، محمود، «تکلیف زیان‌دیده به کاستن از خسارت با تأکید بر حقوق انگلیس و آمریکا»، مجله علوم اجتماعی و انسانی، دوره هفدهم، شماره ۳۳، ۱۳۸۰.
۱۷. گودرزی، مرتضی و همکاران، «رویکردی میان‌رشته‌ای به مسئولیت مدنی دولت در خط‌مشی‌گذاری عمومی، راهبرد اجتماعی-فرهنگی»، سال هشتم، شماره ۳۳، ۱۳۹۸.
۱۸. محمودی کردی، زهرا، «ماهیت اصول کلی حقوقی و کارکردهای آن در حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۸، ۱۳۹۷.
۱۹. مولایی، آیت، «موانع و چالش‌های اعمال مسئولیت مدنی دولت در ایران»، مطالعات حقوق عمومی، دوره پنجاهم، شماره ۴، ۱۳۹۹.
۲۰. میرنقی‌زاده، میرحیدر و علی چراغی، «بررسی مبانی و مستندات فقهی و حقوقی قاعده تقلیل خسارت»، مجله قانون‌یار، دوره دوم، شماره ۶، ۱۳۹۷.
۲۱. یزدانیان، علی‌رضا، «گام‌هایی در طرح مسئولیت مدنی دولت ناشی از فعل شخصی، فعل اشیا و فعل غیر در حقوق ایران و فرانسه»، مطالعات حقوق خصوصی، دوره چهل و پنجم، شماره ۳، ۱۳۹۴.

ضرورت تقلیل خسارت و مبانی تکلیف زیان دیده به انجام آن؛ تأملی بر
رویکرد حقوق ایران و امکان سنجی اعمال آن در مسئولیت مدنی دولت

۲. عربی

۱. محقق حلی، قواعد الاحکام، تهران: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۳.
۲. نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، تهران: اسلامیه، ۱۴۱۴.

Need to reduce the damage and the basis of the duty of the injured party to do it; A reflection on Iran's legal approach and the feasibility of its application in the government's civil responsibility

Mozhdeh Jamsahar¹, Ebrahim Delshad Maaref², Mahdi MirDadashi Kari³

Abstract

Damage reduction is one of the important rules in compensation, according to which the injured party has the duty to take any conventional action necessary to reduce the damage and prevent the development of the damage. It will not have damages. This rule has not been discussed in the Germanic Roman system, which Iran belongs to, but its effects and results can be applied and implemented in the laws of these countries. The desired approach can be applied in private law issues. But the question is whether in the rules related to civil liability of the government, it is possible to consider the rule of reduction of damages for the petitioner, in this assumption, natural and legal persons of private law against the government and legal persons of public law. In this regard, this article entitled the necessity of damage reduction and the basics of the injured party's obligation to do so in Iranian law has been written with a descriptive, analytical method and library sources, and its findings show that regardless of the result of the actions of the injured party in the direction of reduction Damage, the injured party must act in a normal manner and even if his action increases the loss, it has no effect on the amount of compensation that he is entitled to claim, and based on jurisprudential principles, such as the rule of warning, harmless, action and so on The relationship between causation and foreseeability of the loss, and if there are conditions for applying the rule of liability for damages, including breach of contractual obligation, the possibility of reducing the damage, informing the injured party of the breach of obligation, etc., the injured party is obliged to reduce the damage based on rights. It is Iran.

KeyWords: damaged, loss, damage reduction, civil liability, government, administrative contract.

1. PhD student, Department of Private Law, Faculty of Humanities, Qom Branch, Qom Islamic Azad University, Iran, jamsahar.advocate@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Humanities, Qom Branch, Islamic Azad University of Qom, Iran, (Corresponding Author), edelshad1972@gmail.com

3. Associate Professor, Department of Private Law, Faculty of Humanities, Qom Branch, Islamic Azad University of Qom, Iran, sm.mirdadashi1351@iau.ac.ir